

سال‌نمای امنیت ملی
جمهوری اسلامی ایران
تحولات راهبردی ۱۳۹۲
چشم‌انداز ۱۳۹۳

زیر نظر شورای نویسندگان



محیط زیست و بلایای طبیعی

مقدمه

وضعیت محیط زیست کشور نشان‌دهنده افت منحنی‌های بهبود جستارهای محیط زیست است، به گونه‌ای که در بسیاری از موارد، این شاخص‌ها گویای وضعیت بحرانی کشور هستند و وضعیت محیط زیست کشور به مرز نگران‌کننده‌ای رسیده است. در بسیاری از این شاخص‌های منفی، جزو چند کشور نخست، هستیم به گونه‌ای که طی هشت سال گذشته، کشور از نظر وضعیت حفاظت از محیط زیست ۶۰ پله تنزل یافته است. هرچند آمار و ارقام مربوط به خاستگاه‌ها و پیامدهای بحران زیست‌محیطی هنوز محرمانه هستند، اما درون‌مایه سخنان کارگزاران و کارشناسان گویای آن است که تداوم وضعیت موجود دست کم طی چند سال آینده، کشور را با بحران‌های چند لایه و پیچیده امنیتی رو به رو خواهد کرد. هرچند بخشی از این رویدادها در قالب تغییرات آب و هوایی و رخداد‌های کشورهای همسایه، خاستگاه فراکشوری دارند، اما بیشتر آن درون‌کشوری و ریشه در کم‌توجهی به پایداری زیست‌محیطی در گذشته داشته‌اند و طی چند سال اخیر بر ابعاد و سویه‌های آنها افزوده شده است. بر اساس آمار بانک جهانی، میزان خسارت زیست‌محیطی آلودگی هوا در ایران به رقمی نزدیک به ۱۶ میلیارد دلار رسیده است، به گونه‌ای که تنها در شهر تهران، سالانه حدود هشت تا ده میلیارد دلار به دلیل آلودگی هوا زیان به بار می‌آید. بر پایه آمار ارائه‌شده از سوی کارشناسان داخلی، تا اواخر سال ۱۳۹۲ بیش از ۳۶۰۰ تن به اشکال مختلف متأثر از آلودگی هوا (ذرات معلق، منوکسید کربن، ازن، دی‌اکسید گوگرد) در این شهر جان سپردند. با این حال، سال ۱۳۹۲ را با توجه به پرداختن به تنگناها و دشواری‌های زیست‌محیطی کشور از سوی رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی، توجه ویژه

دولت یازدهم به مسائل محیط زیست و مطالبات معنادار مردم را باید سرآغازی بر دوران بیداری زیست‌محیطی کشور نامید که در ادامه شماری از مهم‌ترین آنها تشریح خواهند شد.

آلودگی هوا

طی سال ۱۳۹۲، آلودگی هوا رایج‌ترین عبارت زیست‌محیطی کشور بود. طی چند سال اخیر افزون بر شهرها حتی روستاها هم از پیامدهای خطرناک آلودگی هوا به دور نمانده‌اند به گونه‌ای که امروزه از سونامی سرطان ناشی از آلودگی هوا، افزایش سرطان‌های مغز استخوان در کودکان و سرطان‌های ریه در بزرگ‌سالان، ابتلای هزاران نفر به بیماری‌های تنفسی و مرگ سالانه نزدیک به ۵ هزار تن به دنبال آلودگی هوا سخن به میان می‌آید. بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی، ایران سالانه ۴۷۱ میلیون تن گاز دی‌اکسید کربن تولید می‌کند، به گونه‌ای که کشور رتبه دهم تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای و رتبه هشتم آلودگی هوای جهان را دارد. بر اساس همین گزارش، شهرهای اهواز، سنج، کرمانشاه و یاسوج (به واسطه ریزگرد) چهار شهر آلوده جهان هستند که در این میان، آلودگی شهر اهواز به عنوان آلوده‌ترین شهر جهان بیش از سه برابر میانگین آلودگی کشور است. این گزارش، علت اصلی آلودگی هوای ایران را تولید بنزین بی‌کیفیت توسط کارخانجات پتروشیمی داخلی می‌داند. بر پایه آمارهای سازمان بهداشت جهانی، ایران بالاترین میزان گسترش سرطان در خاورمیانه را دارد و سن سرطان به زیر سی سال رسیده است. حتی برخی منابع داخلی اعلام کرده‌اند که بیشترین رشد سرطان در جهان مربوط به ایران است. بنا بر آمار اعلامی سالانه ۸۵ هزار مورد جدید سرطان در کشور بروز می‌کند و طی سال گذشته به دلیل ابتلا به سرطان ۴۱ هزار تن از شهروندان ایرانی رهسپار دیار باقی شدند. بنابراین، واژه «آلودگی هوا» واژه‌ای تلطیف شده است. سرطان‌زایی ماده سمی «بنزن» در هوای شهرهای کشور، ۳۵ برابر اندازه معمول است که شهروندان ایرانی تنفس می‌کنند. به باور کارشناسان، نقص فنی خودروها به واسطه نداشتن کاتالیست و کنیستر، پایین بودن کیفیت سوخت آنها و وجود سه میلیون خودروی فرسوده در کشور، دلایل بیش از هفتاد درصد آلودگی هوای کشور هستند، بدین مفهوم که در حال حاضر سوخت استاندارد کشور یورو دو است این در حالی است که بر پایه قانون برنامه چهارم، سوخت باید استاندارد یورو چهار دریافت می‌کرد. از دیگر سو، استاندارد خودروهای تولیدی باید یورو چهار باشد که در عمل چنین نیست و استاندارد آنها در حال حاضر یورو دو است. نیاز به یادآوری است که استاندارد خودروهای وارداتی، یورو پنج است و در خود اروپا استاندارد یورو شش اعمال می‌شود. طی سال جاری قرار بود شش پالایشگاه تولید بنزین بدون بنزن یعنی همان بنزین یورو چهار گشایش یابند که تنها دو پالایشگاه افتتاح شد. بر

۹۰ درصد خودروهای کشور آلاینده هستند و سرب ناشی از سوخت خودروها به همراه حدود سه هزار واحد آلاینده در سطح کلان‌شهرها از جمله عوامل آلودگی هوای آنهاست

بنیاد آمارهای موجود، ۹۰ درصد خودروهای کشور آلاینده هستند و سرب ناشی از سوخت خودروها به همراه حدود سه هزار واحد آلاینده در سطح کلان‌شهرها از جمله عوامل آلودگی هوای آنهاست. این در حالی است که از ۵۴ میلیون تن جمعیت شهری ۴۰ درصد آنها در هشت شهر کشور ساکن هستند. در نیمه دوم سال جاری، به واسطه سرد شدن هوا، آلودگی هوای کلان‌شهرهای کشور به ویژه تهران، اراک، تبریز اصفهان، اهواز و ارومیه رو به فزونی نهاد، به گونه‌ای که مسئولان، چاره را در تعطیلی چند روزه مدارس و زوج و فرد کردن تردد خودروها دیدند، واکنشی که از سرناچاری و بی‌برنامگی هر ساله تکرار می‌شود و سویه‌های جدیدی می‌یابد. بر پایه نظرسنجی صورت گرفته در شهر اهواز، ۹۷ درصد مردم شهر اهواز - به عنوان آلوده‌ترین شهر جهان که در بسیاری از روزهای سال میزان آلاینده‌ها بیش از پنجاه برابر اندازه مجاز است - به رفتن از این شهر گرایش دارند. طی سال جاری، آلودگی هوای استان خوزستان بیش از پنجاه هزار نفر را به علت تنگی نفس روانه بیمارستان کرد. رویدادی که بارها نشست سازمان مرتبط را در پی داشته است. چنین ویژگی‌هایی، سبب شد برخی نمایندگان مجلس از جمله نمایندگان استان، خواستار ردیف مستقلی در بودجه به عنوان حق آلایندگی برای استان‌های صنعتی (خوزستان، تهران، اصفهان و اراک) شدند. رد این پیشنهاد از جمله مواردی بود که استعفای نمایندگان استان خوزستان را در پی داشت.

آمارهای رسمی نشان می‌دهند طی سال جاری میانگین مصرف بنزین (معمولی و سوپر) کشور با رشدی حدود هفت درصد به بیش از ۸۰ میلیون لیتر در روز رسیده است. از این رو، مدیریت و مهار مصرف سوخت گریزناپذیر است. بر پایه چنین اجباری، طی سال آینده سه سناریو افزایش سهم گازوئیل در سبد سوخت خودروها، توسعه صنعت سی.ان.جی و افزایش بهای حامل‌های انرژی، به ویژه بنزین توسط دولت قابل پیش‌بینی است. با این حال، در واکنش به اعتراض‌های مردم، در قالب تعطیلی کارخانه صنایع سرب زنجان، غیرفعال کردن سه خط تولید کارخانه سیمان تهران و بخشی از آلومینیوم اراک با توجه به میزان آمار بالای ابتلا به سرطان در استان مرکزی و کوشش برای پایش برخط (آن لاین) صنایع بزرگ، الزام خودروسازان به ارتقای استاندارد یورو چهار و تمدید نکردن این دوره و ممنوعیت شماره گذاری خودروهای یورو دو از اول تیرماه، از جمله گام‌های دولت در سال جاری در برخورد با صنایع آلاینده بوده‌اند. با این حال، تندترین موضع‌گیری در برابر آلودگی هوا را باید در پیش‌خطبه نماز جمعه تهران در قالب سخنان مدیر کل محیط زیست استان تهران پی گرفت که اعلام کرد: «علمای فقهی و حقوقی باید به مسئله آلودگی هوا ورود پیدا کنند و اگر مرگ بر اثر آلودگی هوا را بر اساس ادله فقهی و حقوقی بتوانیم نوعی قتل به حساب بیاوریم، کسانی که آلوده کننده هستند و به تکالیف دستگاهی خود عمل نمی‌کنند، جرم‌شان

خشکیدن دریاچه‌ها
و رودهای دائمی
و افزایش تنش‌های
اجتماعی در صورت
تداوم امنیت ملی
کشور را به شدت
متأثر خواهد کرد

معاونت در قتل محسوب می‌شود و لذا این مسئله برخورد جدی حقوقی و فقهی را می‌طلبد.

خشکیدن دریاچه‌های داخلی

طی چند سال اخیر، متأثر از دگرگونی‌های آب و هوایی در مقیاس جهانی و منطقه‌ای، افزایش نیازهای آبی کشور در بخش‌های آشامیدنی، کشاورزی و صنعت و ساخت بی‌رویه سدها، به تغییرات آب‌شناسی شدیدی انجامیده که خشکیدن دریاچه‌ها و رودهای دائمی و افزایش تنش‌های اجتماعی که نشانه‌های آن در حوضه مرکزی کشور هویدا شده، از پیامدهای آن به شمار می‌روند که در صورت تداوم وضعیت موجود، «مسئله آب» امنیت ملی کشور را به شدت متأثر خواهد کرد. بر بنیاد آمار انتشار یافته به دلیل ضعف مدیریت منابع آب، به ویژه در بخش حق‌آبه تالاب‌ها، حدود ۴۰ تالاب مهم کشور بین ۲۰ تا ۱۰۰ درصد خشک شده‌اند که به تبع، پیامدهای زیست‌محیطی ناگواری در پی داشته‌اند. برای نمونه، برخی کارشناسان، سرمای شدید استان فارس طی دو سال اخیر را برآیند خشکیدن دریاچه‌های استان به ویژه طشک، ارژن و بختگان در نتیجه ضعف مدیریت منابع آب و توسعه بی‌رویه کشاورزی اعلام کرده‌اند که تغییر اقلیم استان به سوی کویری‌شدن (سرمای زیاد هوا در شب و گرما در روز) و تغییر زیست‌جانوری را در پی داشته است. در این میان، خشکیدن دریاچه ارومیه بخش ثابت گزارش‌ها و اخبار بحران محیط زیست کشور طی یک و نیم دهه بوده، به گونه‌ای که طی ۱۶ سال گذشته، هشت متر کاهش سطح داشته و امروزه، در معرض خطر شدید و وضعیت ناپایداری اکولوژیک است و با خشکیدن حدود هشتاد درصد، گستره‌اش در خطر خشک شدن کامل قرار گرفته است. تا کنون، گزارش‌های بسیاری درباره زمینه‌ها و علل خشکیدن دریاچه ارومیه انتشار یافته که به طور خلاصه می‌توان به تغییرات آب و هوایی در قالب افزایش گرما و در نتیجه تبخیر آب و کاهش بارش به ویژه برف، مصرف بالای آب در حوضه آبریز دریاچه، پایین بودن بازدهی آب در بخش کشاورزی و گسترش زمین‌های زیر کشت، عدم تغذیه مناسب و ساخت میان‌گذر دریاچه ارومیه به همراه ضعف مدیریت صنایع آب‌بر در دریاچه اشاره کرد، به گونه‌ای که تنها ۱۵ تا ۲۰ درصد آب دریاچه باقی مانده است. بر بنیاد برخی برآوردها، دریاچه ارومیه طی دو تا سه سال آینده، کاملاً خواهد خشکید و به عبارت طنزآمیز رایج، از جغرافیا به تاریخ خواهد پیوست. حتی بارش برف زمستانی که سطح دریاچه ارومیه را حدود ۳۰ سانتی‌متر افزایش داد، جای امیدواری چندانی برای احیای آن نمی‌گذارد، زیرا میزان بارش در سنجش با سال گذشته در همین زمان کاهش داشته است. بدین مفهوم که هر چند تراز آبی دریاچه ارومیه در بهمن‌ماه به هزار و ۲۷۰ متر رسید، اما ۵۰ درصد از بیشینه نیاز آبی پایین‌تر است. بر بنیاد برآوردهای موجود، در صورت خشک شدن دریاچه، تعادل آب

خشکیدن دریاچه ارومیه
افزون بر زبان‌های
مادی و معنوی موجود،
پیامدهای امنیتی جدی
در چند سال نیز در پی
خواهد داشت

و هوایی منطقه بر می آشوبد، بدیم مفهوم که اختلاف دما به ۷۰ درجه می رسد و تابستان های گرم و خشک و زمستان های سرد و خشک حاکم خواهد شد. نمک، گسترش خواهد یافت و باد نهشت های نمکی را ده ها و گاه صدها کیلومتر در پیرامون پخش خواهد کرد که این رویداد به ویرانی و نابودی زیست گیاهی و جانوری منطقه می انجامد. از این رو، خشکیدن این دریاچه، افزون بر زیان های مادی و معنوی موجود، پیامدهای امنیتی جدی در چند سال نیز در پی خواهد داشت. هرچند درباره جلوگیری از خشک شدن دریاچه راهکارهای گوناگونی همانند انتقال آب از رود ارس، انتقال آب از دریای خزر، برچیدن کشاورزی از کرانه دریاچه، تخریب یا تخلیه سدها، بستن چاه های غیرمجاز یا جلوگیری از برداشت آب آنها و باروری ابرها در حوضه دریاچه ارومیه مطرح شده است، اما به باور کارشناسان، هیچ یک از راهکارهای پیشنهادی به تنهایی راه نجات نیستند، زیرا عوامل مختلفی به صورت هم افزایی در تشدید این وضعیت نقش داشته اند.

قاجاق سوخت و آلودگی خلیج فارس

پساب های شهری، سازه ها و صنایع بزرگ نفتی از جمله آلاینده های اصلی آب های خلیج فارس هستند که در این میان، سرازیر شدن سالانه میلیون ها لیتر سوخت قاجاق به این آب ها، ویرانی محیط زیست دریایی و زیستگاه های آبزیان، افت سطح معیشت جوامع صیادی محلی را نیز در پی داشته است. بر بنیاد آمار منتشر شده، سالانه میلیون ها لیتر سوخت قاجاق به ویژه گازوئیل به آب های خلیج فارس ریخته می شود. بر پایه گزارش کمیسیون مبارزه با قاجاق کالا و ارز، در نیمه نخست امسال چهار میلیون لیتر سوخت در دریا و خشکی هنگام فرار قاقاقچیان تخلیه شد. همچنین، طی سال جاری، هر از گاهی از سوی حفاظت محیط زیست هرمزگان یا نیروی انتظامی اخباری درباره سرازیر شدن حجم کلانی از سوخت قاجاق به دریا در نشریات و خبرگزاری ها منتشر شد که در یک مورد آن، ۳۵ هزار لیتر و در یک مورد دیگر، ۲۰۰ هزار لیتر گازوئیل توسط قاقاقچیان به این پهنه آبی ریخته شد. تخلیه مداوم سوخت قاجاق موجب آلودگی فزاینده کرانه های خلیج فارس شده است، به گونه ای که آب های قشم یکی از آلوده ترین نقاط خلیج فارس به شمار می رود. قاجاق گازوئیل در آب های خلیج فارس، به عنوان معامله پُرسود، برآیند تفاوت بهای ۴۰۰ تومانی آن در ایران با قاجاق و فروش آن بر روی دریا به قیمت دو هزار و ۵۰۰ تومان به شناورهای خارجی و نقدبودن پول پرداختی آنهاست. قاجاق سوخت، در عین سودآوری بالا که انگیزه لازم برای قاجاق را فراهم می کند، با خطر گرفتاری و پیگرد دریابانی و نیروی انتظامی منطقه همراه است. از آنجا که جریمه هر لیتر گازوئیل که شرکت پخش فرآورده های نفتی بر پایه نرخ روز تعیین و به دادگاه اعلام

دست کم یک
میلیون هکتار از
شش میلیون هکتار
جنگل های بلوط
زاگرس در معرض
خشک شدن هستند

می‌کند، سه تا پنج برابر بهای روز آن است و گاه به چهار تا پنج هزار تومان هم می‌رسد. چنین جرمه سنگینی، سبب شده است قاچاقچیان با دیدن مأموران، شبکه‌های گازوئیل را به دریا و نزدیک جنگل‌های حرا نزدیک خورها سرازیر کنند. این رویداد از یک سو بازدارنده عمل فرایند فروغ‌آمایی (فتوستنز) گیاهان آبزی است؛ بدین مفهوم که این لایه‌های نفتی سرعت جذب اکسیژن هوا به وسیله آب را بسیار کند می‌کنند، به اندازه‌ای که میزان انحلال اکسیژن در لایه‌های آب زیر لکه‌های نفتی حتی از لایه‌های عمیق آب نیز کمتر می‌شود. پیامدهای چنین رخدادی، نابودی زیست بوم آبزیان در قالب خفگی یا تحریک یاخته‌های مخاطی دستگاه تنفسی آنها نمود می‌یابد که فرار یا مرگ و میر آبزیان منطقه را در پی داشته است. درباره پرندگان دریایی نیز آغشتگی پره‌های آنها به لکه‌های نفتی از توان پروازشان می‌کاهد یا پرواز را برای آنها ناممکن می‌کند. دیگر آنکه، خاصیت عایق بودن پرها از میان می‌رود و پرندگان به واسطه در معرض آب بودن از سرما تلف می‌شوند. نتیجه آنکه، از چند ده هزار نفری که معیشت‌شان از رهگذر صید و صیادی تأمین می‌شود با سختی گذران معیشت روبه‌رو می‌شوند. برای نمونه، امسال این آب‌های آلوده که در مزارع تکثیر و پرورش میگو مورد استفاده قرار می‌گیرند، تأثیر بسزایی در کاهش آبزیان پرورشی به ویژه میگو داشته‌اند. پیامد این آلودگی‌ها به اندازه‌ای جدی است که در جریان سفر سال گذشته کارشناسان یونسکو به منطقه قشم، قاچاق سوخت و سرازیر شدن آن به دریا، یکی از ایرادات پایه‌ای این گروه در ثبت زمین‌گردشگاه (ژئوپارک) قشم به عنوان میراث جهانی بود.

خشکیدن جنگل‌های زاگرس

جنگل‌های زاگرس در جایگاه دومین زیست‌بوم مهم جنگلی کشور، نقش مهمی در تأمین نزدیک به نیمی از آب شیرین کشور، تداوم زیست‌شمار زیادی از عشایر و روستاییان استان‌های ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، لرستان، کرمانشاه، فارس و نیز تعادل زیست‌شناختی این منطقه دارند. در سال ۱۳۹۲، اعلام شد دست کم یک میلیون هکتار از شش میلیون هکتار جنگل‌های بلوط زاگرس در معرض خشک‌شدن هستند. این پیشامد به نوعی برآیند نهایی رخداد‌های چند سال اخیر در قالب مدیریت ناکارآمد، رفت و آمدهای ناآگاهانه مردم و گردش‌گران به مناطق جنگلی، استفاده از چوب برای سوخت، کندن نهال درختان و کاشت گندم به جای آنها، وجود ریزگردها، تغییر آب و هوا، کاهش بارش، تبدیل بارش‌ها از برف به باران و در نتیجه، کاهش مقدار رطوبت جنگل‌ها، چرای بی‌رویه دام، آتش‌سوزی‌های عمدی و غیر عمدی و شخم‌زدن بستر جنگل بوده، به گونه‌ای که تضعیف درختان را در پی داشته و آنها را آماده آفات گوناگون کرده است که از آن میان

می‌توان به گسترش بیماری «زغالی بلوط» به علت وجود سه گونه سوسک چوب‌خوار اشاره کرد. داده‌های موجود نشان می‌دهند یک ششم جنگل‌های زاگرسی کشور آلوده به این بیماری هستند که از این میان، یک میلیون و سیصد هزار هکتار با آلودگی بیش از پنجاه درصد در وضعیت بحرانی قرار دارند. با وجود پراکندگی مناطق بحرانی، استان‌های ایلام، لرستان و کرمانشاه، به ترتیب دارنده بیشترین مناطق بحران‌زده هستند. به باور کارشناسان، وضعیت موجود سبب نابودی زیستگاه حیات وحش جنگل‌های زاگرس شده، به شکلی که به جای آنها، گونه‌هایی سر برآورده‌اند که ویژه وضعیت بیابانی هستند. بر پایه همان برآوردها، پایش و مهار آفات درختان بلوط جنگل‌های زاگرس نیازمند چند صد میلیارد تومان سرمایه است که با توجه به وضعیت بودجه‌ای کشور در سال ۱۳۹۳ این وضعیت تداوم خواهد داشت که به معنای و نابودی بیشتر جنگل‌ها منطقه و تشدید نقش ریزگردها به عنوان پالایه‌های (فیلتر) طبیعی، عدم زادآوری درختان، کاهش سطح تنوع و شمار گونه‌های گیاهی و جانوری، رخداد سیلاب، افزایش دمای هوا و کاهش ذخیره بارشی خواهد بود که همگی امنیت زیست‌محیطی کشور و معیشت کشاورزان این بخش از کشور را به چالش می‌گیرند.

ریزگردها

هوای ایران صرفاً تازشگاه آلاینده‌های با خاستگاه فسیلی داخلی نیست، بلکه طی یک دهه اخیر و طی روند رو به گسترش آلودگی، سویه دیگری هم یافته است و آن ریزگردهای با خاستگاه عمدتاً برون‌مرزی است. بر پایه برآوردهای موجود، در عراق پنج کانون بحرانی ریزگردساز وجود دارد که مهمترین آن بین‌النهرین است. پیامدهای این بحران، یکی از عوامل مؤثر در تشدید تکاپوی سیاست خارجی در دولت‌های دهم و یازدهم، حوزه محیط زیست بوده است، به گونه‌ای که در بحث همکاری با عراق و سفر نوری المالکی به تهران قرار شد ستاد ریزگردها در چهارچوب منطقه‌ای و با حضور کشورهای درگیر تشکیل شود. با این حال، یکی از خبرهای مهم طی سال جاری، خبر وجود اورانیوم در گرد و غبار ورودی به کشور به وسیله بادهایی است که از منطقه شاخ آفریقا و عراق به ایران می‌وزند. هرچند این خبر بعدها تکذیب شد، اما در عراق وجود اورانیوم ضعیف‌شده ناشی از جنگ افزارهای مورد استفاده در این کشور توسط کشورهای اشغال‌گر تأیید شده است. کارشناسان بر این باور هستند که گرد و غبارهای حاوی اورانیوم به دو شکل بارش‌های اسیدی و خشک شدن زمین و برخاستن گرد و خاک‌های حاوی اورانیوم می‌تواند مشکل‌ساز شود. بر همین اساس، دور از ذهن نیست که احتمال ورود غبار اورانیومی به کشور، به وسیله بادهایی که از این کشور به سمت ایران می‌وزند، وجود داشته باشد. جدای از اینکه ریزگرد واردشده به کشور حاوی اورانیوم غنی‌شده

یکی از خبرهای مهم طی سال جاری، خبر وجود اورانیوم در گرد و غبار ورودی به کشور به وسیله بادهایی است که از منطقه شاخ آفریقا و عراق به ایران می‌وزند

هست یا خیر، اما آن اندازه جدی هست که سفر و دیدار رئیس سازمان محیط زیست کشور با نوری المالکی نخست وزیر عراق را در بهمن‌ماه امسال در پی داشته باشد. وی در این سفر بر سه راهکار «حمایت از توافق‌نامه پنج‌جانبه کشورهای منطقه در مورد همکاری‌های محیط زیست و مقابله با پدیده گرد و غبار»، «ایجاد سازوکار قوی همکاری دوجانبه» و نیز «ایجاد پارک‌های مشترک صلح و دوستی بین دو کشور» تأکید کرد. به هر روی، آلودگی هوای کشور آن اندازه نگرانی در پی داشت که محور گفتگوهای نشست غیرعلنی مجلس با رئیس سازمان محیط زیست کشور قرار گیرد و کمیسیون تلفیق در لایحه بودجه ۹۳ مصوب کرد که اعتباری افزون بر ۵۵ میلیارد تومان برای مقابله با روند فزاینده و شدت وقوع پدیده‌هایی نظیر گرد و غبار و خشک‌سالی در کشور را به سازمان حفاظت از محیط زیست اختصاص دهد.

مرگ‌ومیر حیات وحش

آمار کشته‌شدن حیات وحش در ایران گویای اوضاع وخیم آنها و چالش اساسی در زمینه حفاظت از حیات وحش کشور است، به گونه‌ای که حدود ۱۰۰۰ حیوان گوشت‌خوار و گیاه‌خوار بزرگ‌جثه در اثر حادثه، تصادف و بیماری طی شش سال اخیر از میان رفته‌اند که از این میان، ۶۰ تا ۷۰ درصد بر اثر حوادث جاده‌ای اتفاق افتاده و بیشتر این حیوانات را گوشت‌خواران، به ویژه گربه‌سانانی همانند یوزپلنگ و پلنگ تشکیل می‌دهند. این در حالی است که آمار کشته‌شدن حیوانات بر اثر شکار غیر مجاز خود داستان دیگری است که از آن میان می‌توان به رخداد تصاویر تکان‌دهنده کشتار هفت قلاده روباه و قرارداد آن در دید عموم در کمشچه اصفهان در بهمن‌ماه سال جاری اشاره کرد. با این حال، داستان کشته‌شدن پلنگ‌های ایرانی پُربسامدترین اخبار این حوزه بود. برآوردهای موجود گویای پراکندگی زیستگاه این گربه‌سان کمیاب است و به طور میانگین، هر ماه یک قلاده پلنگ در کشور از پای در می‌آید. بر پایه واپسین آمار موجود در شش سال گذشته، ۴۶ پلنگ در کشور تلف شده که به دیگر سخن سالی ده پلنگ از میان رفته‌اند که در خوش‌بینانه‌ترین حالت با روند کنونی در حدود بیست سال آینده، همانند دیگر گربه‌سانان کشور، برای همیشه از طبیعت ایران رخت بپوشانند. بر پایه آمار، سال ۱۳۹۲ یکی از بدترین سال‌ها برای پلنگ ایرانی بود، زیرا در کمتر از یک سال دوازده قلاده از این گونه ارزشمند کشته شدند. شواهد موجود نشان می‌دهند کم‌توجهی به بایسته‌های زیست‌محیطی در اجرای بسیاری از طرح‌ها به خُرد و تجزیه‌شدن زیستگاه‌ها و ایجاد فاصله میان آنها انجامیده، به گونه‌ای که این گربه‌سان در معرض خطر نابودی قرار گرفته است. رویدادهایی که افزایش حساسیت مردم و رسانه‌ها را به مسائل زیست‌محیطی در پی داشته است. در این میان، کاستی‌های قانونی و فرهنگ‌سازی

در حوزه طبیعت و حیات وحش، نقش مؤثری در شکنندگی محیط زیست و حیات وحش کشور داشته است.

زمین لرزه های کشور

قرارگیری ایران بر روی کمربند لرزه خیز کره زمین، کشور را مستعد بروز لرزش های بزرگ و کوچک در مقیاس بی شمار کرده است. چون بیشتر سکونت گاه های این کشور در مناطق پایکوهی و بر روی گسل های فعال قرار دارند، بسیاری از این سکونتگاه ها تجربه زمین لرزه های با درجه ریشتر بالا را دارند. بر پایه آماری که بهمن ماه امسال منتشر شد، طی ۳۰۸ روز سال، کشور ۹۴۳۴ بار لرزیده که در این میان، ۲۷۶ زلزله با قدرت چهار تا پنج ریشتر، ۳۲ زلزله با قدرت پنج تا شش ریشتر، دو زلزله با قدرت شش تا هفت ریشتر و یک زلزله با قدرت بیش از هفت ریشتر رخ داده است. جالب اینجاست که در سال گذشته (۱۳۹۱) افزون بر چهارده هزار و ۳۴۰ زلزله نقاط مختلف کشور را لرزاند. این در حالی است که در سال پیش از آن (۱۳۹۰) هفت هزار و ۹۰۰ زلزله در نقاط مختلف کشور رخ داده بود. بنابراین، رخداد زمین لرزه پدیده ای طبیعی و عادی است. طی سال جاری (۱۳۹۲) زمین لرزه هایی با بزرگای بیش از سه ریشتر در کشور رخ داد که بیشتر آنها مربوط به مناطق جنوبی کشور بودند که از جمله آنها می توان به زمین لرزه ۵/۵ در مقیاس ریشتر دی ماه در شهرستان بستک اشاره کرد که طی آن حدود ۸۰۰ واحد مسکونی ویران شد و یک کشته و دوازده زخمی برجای گذاشت. نمونه دیگر، زمین لرزه ۳/۸ ریشتر بود که وحدتیه مرز استان های فارس و بوشهر را لرزاند که بیشترین آسیب را در بوشهر به جای گذاشت. بر بنیاد آمار انتشار یافته، حدود ۸۵۰ نفر مصدوم و بیست و دو نفر هم در این استان کشته شدند. رخدادی که تحت تأثیر چند مسئله بسامد رسانه ای بالایی یافت. نخست وجود نیروگاه هسته ای بوشهر است که بنا به گفته مسئولان این نیروگاه، در برابر لرزش های بزرگ تر از هشت ریشتر هم مقاوم است. دوم، اعلام آمادگی کاخ سفید برای کمک به زلزله زدگان بوشهر بود که مقامات کشور اعلام کردند به دریافت کمک های خارجی نیازی ندارند. سوم، موضع گیری امام جمعه بوشهر بود که به مدت سه روز در استان بوشهر عزای عمومی اعلام کرد. از دیگر زمین لرزه های کشور می توان به زمین لرزه ۳/۲ ریشتری حوالی بندر مقام در استان هرمزگان، زلزله ۶/۳ ریشتری شهر لار، زمین لرزه ۵/۱ ریشتری چلگرد مرکز شهرستان کوهرنگ، زلزله ۵/۵ ریشتری گوهران در استان هرمزگان، زلزله ۴/۳ ریشتری جزیره کیش، زلزله ۳/۷ ریشتر منطقه سرجنگل در محدوده شهر زاهدان، زمین لرزه ۴/۲ ریشتری شهرستان اهر در استان آذربایجان شرقی، زمین لرزه ۴/۸ ریشتری کنگان و زمین لرزه ۵/۷ ریشتری آذرماه امسال در شهرستان دشتستان اشاره کرد که طی آن

حدود ۱۰۰۰ حیوان
گوشت خوار و گیاه خوار
بزرگ، جثه در اثر حادثه،
تصادف و بیماری طی
شش سال اخیر از میان
رفته اند که از این
میان، ۶۰ تا ۷۰ درصد
بر اثر حوادث جاده ای
اتفاق افتاده

چهارهزار و ۸۰۰ واحد مسکونی خسارت دیدند، هفت تن کشته و ۲۰۰ تن نیز مصدوم شدند. بسامد تعداد زمین‌لرزه‌های یادشده گویای آن است که مناطق جنوبی کشور بیشترین شمار و آسیب‌پذیری را داشته‌اند اما به واسطه ضعیف بودن لرزه‌های رخ داده در قیاس با آسیب‌های سال‌های پیش، از شمار تلفات انسانی و مالی کاسته شده است.

بارش سنگین برف

بارش سنگین برف در بهمن‌ماه امسال، بیشتر نقاط کشور را تحت تأثیر قرار داد، به گونه‌ای که برخی از کارشناسان حجم بارش یادشده را طی پنج دهه اخیر بی‌سابقه اعلام کردند و بارش در چنین حجمی را پیش‌بینی نمی‌کردند. پیامد چنین رخداد نامنتظره‌ای در سراسر کشور، در قالب قطع خطوط آب و برق، اُفت فشار گاز، تعطیلی مدارس و بسته‌شدن شماری از راه‌ها و محورهای مواصلاتی کشور نمود یافت. در این میان، استان‌های گیلان و مازندران، طی شش روز بارش پیوسته دچار بیشترین خسارت مادی شدند. گزارش‌ها گویای آن بودند که بلندی برف در برخی مناطق بحران‌زده استان گیلان و مازندران به بیش از دو متر رسیده بود. پیامد چنین بارشی در این مناطق، در قالب بحران نبود آب و برق بسته‌بودن راه‌ها، قطع گاز، محبوس‌شدن در خانه و محل کار و دشواری تأمین نیازمندی‌های اولیه نمود یافت. برابر این گزارش‌ها، صف‌های تهیه نان در رامسر به ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر می‌رسید و شدت دامنه خسارت به اندازه‌ای بود که از آن با عنوان سونامی برف یاد شد. به دیگر سخن، بارش و شدت برف بسیار فراتر از توانش زیرساخت‌ها و امکانات این مناطق بود. بر پایه برآوردهای موجود، مجموع خساراتی که بر اثر بارش برف فقط به مدارس استان گیلان و مازندران وارد شد، چهل میلیارد تومان است. پس از مشخص‌شدن ابعاد گسترده بحران بارش برف در استان‌های گیلان و مازندران، رئیس‌جمهور در پیامی خواستار رسیدگی سریع به وضعیت برف‌زدگان شد و برخی از وزرای کابینه را به حضور در مناطق شمالی و تهیه گزارش در این باره موظف کرد. فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی هم دستور ویژه برای کمک به مردم به فرماندهان نیروهای تحت امر خود در این دو استان صادر کردند. از طرف سازمان عملیات امداد و نجات هلال احمر کشور استان‌های خراسان رضوی، سمنان، همدان، تهران، البرز، اردبیل، قزوین، گیلان و مازندران به عنوان استان‌های معین موظف به خدمات رسانی شدند. در نهایت، پس از گذشت شش روز از بحران برف (از یازدهم تا هفدهم بهمن) در دو استان شمالی کشور، سرانجام وضعیت در گیلان و مازندران از حالت بحران خارج شد. برآوردهای اولیه گویای آن است که خسارت‌های زیادی به باغ‌ها، گلخانه‌ها و دامداری‌ها وارد شده است. رخداد یادشده نشان داد هرچند بارش برف و بسیاری از حوادث طبیعی گریزناپذیر هستند، اما مهم این است که بتوان پس از رویداد در مدت زمان

کمتری به ارائه خدمات پرداخت و وضعیت را به شرایط عادی بازگرداند که در این باره قطع بارش برف و همکاری سازمان‌ها و نهادهای مختلف به تسریع در یاری‌رسانی کمک کرد.

برآورد مقایسه‌ای

در کشور ما بین وضعیت توسعه و سیاست و شاخصه‌های محیط زیست همبستگی بالایی وجود دارد، به گونه‌ای که بر کیفیت زندگی مردم پیامدهای ناگواری داشته است. داده‌ها و نشانه‌های موجود، گواه بر وضعیت بحرانی محیط زیست کشور هستند. با این حال، سال جاری شاهد دو گونه رویکرد متولیان امر به این معضل ملی بود، بدین مفهوم که دولت یازدهم همراهی بیشتری در رسانه‌ای کردن و پیگیری مسئله نشان داده و از آنجا که بخشی از معضلات زیست‌محیطی کشور خاستگاه خارجی دارد، دست کم دیپلماسی خارجی برای کاهش این معضلات پویاتر از گذشته نشان داده است. در میان معضلات زیست‌محیطی کشور، امسال آلودگی هوا توجه بیشتری به خود جلب کرد. وضعیتی که طی چند سال اخیر متأثر از تولید بنزین بی‌کیفیت بر تداوم و تشدید نقش آلاینده‌هایی مؤثر بود، به گونه‌ای که امسال بر ابعاد آلودگی هوای کشور از دو منظر افزود شد. از یک سو، نقاط و مناطق بیشتری با این وضعیت درگیر شدند و از سوی دیگر، در قیاس با سال گذشته، بر شمار روزهای تعطیل افزوده شد. درباره روند خشکیدن دریاچه‌های داخلی که عمدتاً برخاسته از مدیریت ناکارآمد منابع آب موجود است، امسال وضعیت نابسامان‌تری داشتند، به گونه‌ای که چند دریاچه در مرکز کشور که در سال گذشته به شدت کم‌آب شده بودند، کاملاً خشکیدند و تأثیر آن بر کویری شدن آب و هوای مناطق مرکزی کاملاً مشهود بود. درباره آلودگی خلیج فارس متأثر از قاچاق سوخت و سرازیر کردن آن توسط قاچاقچیان به خلیج فارس، هر چند آمارها متناقض هستند، اما امسال روند فزاینده‌تری نسبت به سال گذشته یافت. از این رو، کرانه‌های ایران آلوده‌تر شدند که پیامدهای ناگوارتری بر زیست‌جانوری و زندگی کرانه‌نشینان ایرانی داشت. درباره کشتار گربه‌سانان، هرچند این رویداد، رخداد تازه‌ای نیست، اما امسال بر شمار پلنگ‌های کشته‌شده ایرانی افزوده شد که این رویداد بیشتر به ویرانی زیستگاه این گربه‌سان و حضور بیشتر شکارچیان غیر قانونی در این زیستگاه‌ها برمی‌گردد. همچنین، با توجه به تشدید بیماری و آفت جنگلی در جنگل‌های زاگرس، امسال نابودی این جنگل‌ها ابعاد گسترده‌تری یافت و ناتوانی مدیریت محلی نیز بر روند تخریب افزود. در باره پیشامدهایی همانند زمین‌لرزه، شایان یادآوری است که هرچند بر شمار آنها افزوده شد و کانون رویداد آنها عمدتاً بخش‌های جنوبی کشور بود، اما به واسطه شدید نبودن آنها در سنجش با سال گذشته که عمدتاً بر بخش شمالی کشور تمرکز و آسیب‌رسانی داشت، امسال آسیب‌های واردشده از دید جانی و

مالی بسیار پایین‌تر از سال پیش بود. درباره بارش سنگین برف، به ویژه در شمال کشور که رخدادی پیش‌بینی ناپذیر می‌نمود، هماهنگی به موقع نیروهای کشوری و لشکری از شدت آسیب‌هایی که می‌توانست وارد شود، جلوگیری کرد. بر این اساس، پیشامدهای زیست‌محیطی سال جاری (۱۳۹۲) به نوعی تداوم و تشدید رخداد‌های سال‌های گذشته بود که امسال، روند و شتاب گسترده‌تری نسبت به سال گذشته داشت.

چشم‌انداز ۱۳۹۳

همچنانکه پیش از این اشاره شد، ویرانی‌ها و پیشامدهای زیست‌محیطی یکباره بر نمی‌خیزند که یکباره نیز فرو بنشینند. از این رو، باید وضعیت نابسامان موجود کشور را انباشت دگرگونی‌های سال‌های گذشته دانست. با این حال، در سال آینده به واسطه کاهش بودجه تخصیصی به کلیت محیط زیست، انتظار نمی‌رود محیط زیست کشور وضعیت بهتری یابد. بر این اساس، سال آینده چنانچه آلودگی هوای کشور افزایش نیابد، دست کم همانند سال ۱۳۹۲ خواهد بود. از این رو، بنا به عزم دولت درباره کاهش آلودگی و پیامدهای آن، دولت در سال آینده بر تغییر بهای حامل‌های انرژی، تولید بنزین با کیفیت بالا توسط پالایشگاه‌های داخلی و حتی واردات بنزین پافشاری خواهد کرد. درباره روند خشکیدن دریاچه‌های داخلی که عمدتاً برخاسته از مدیریت ناکارآمد منابع آب موجود است، این وضعیت همچنان تداوم خواهد داشت و به احتمال زیاد سال آینده در جایگاه یکم و دوم معضلات زیست‌محیطی کشور در نوسان خواهد بود. درباره آلودگی آب‌های کرانه‌ای خلیج فارس هم تا زمانی که تفاوت قیمت سوخت در کشورمان با کشورهای پیرامونی، به‌ویژه خلیج فارس وجود دارد، ریختن سوخت قاچاق از سوی قاچاقچیان به آب‌های منطقه همچنان تداوم خواهد داشت. درباره کشتار گربه‌سانان نیز با توجه به واکنش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، این احتمال وجود دارد که حمایت بیشتری از زیست‌جانوری کشور به عمل آید. همچنین، با توجه به کاهش بودجه محیط زیست، تشدید میزان ورود ریزگردها به داخل کشور و ناتوانی مدیران محلی در مدیریت جنگل‌های زاگرس، بیماری و روند خشکیدن این جنگل‌ها تداوم خواهد داشت. با توجه به وضعیت نامطلوب بودجه محیط زیست، آگاه‌سازی شهروندان درباره پیامدهای زیست‌محیطی وضعیت ناگوار کنونی می‌تواند در تشدید حساسیت و مسئولیت مردم و دست‌اندرکاران مؤثر باشد. از این رو، بهره‌گیری از دیدگاه نخبگان و یاری گرفتن از کوشندگان عرصه محیط زیست و سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها)، از جمله راه‌کارهایی است که می‌تواند زمینه هم‌افزایی بیشتر در پاسداشت شاخص‌های محیط زیست کشور را در پی داشته باشد.